

نهضت امام حسین (ع) از منظر ماربین آلمانی؛ علل و نتایج آن

آمنه عباسعلی‌زاده^۱، طاهره عبداللهی^۲، احسان شکوهمند^۳

چکیده

نهضت کربلا و قیام امام حسین (ع) یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ اسلام است که پیامدهای عمیق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جوامع اسلامی برجا گذاشته است. مستشرقان بسیاری مانند ماربین، پژوهشگر آلمانی، ابعاد مختلف این قیام را تحلیل کرده‌اند. در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی نظرات ماربین درباره انگیزه‌ها و دستاوردهای قیام عاشورا واکاوی شد. از نگاه ماربین، مهمترین دلایل قیام امام حسین (ع) احیای حقانیت دین، اطاعت از فرامین الهی، مقابله با ستم حکومت بنی‌امیه و دفاع از ارزش‌های انسانی بوده است. به عقیده ماربین، قیام امام حسین (ع) نه تنها رویدادی تاریخی، بلکه نقطه عطفی در بیداری اسلامی بود که تأثیرات آن فراتر از عصر خود، الهام‌بخش مبارزات ضد ستم در طول تاریخ شد. از نگاه ماربین، کشته شدن در راه حق و حقانیت، اجرای اوامر الهی و مبارزه با ظلم و جور از علل قیام امام حسین (ع) است. همچنین آموختن درس فداکاری و جانبازی، آشکار شدن مظلومیت امام حسین (ع)، بلندآوازه کردن نام اسلام، آشکار شدن رفتار ظالمانه بنی‌امیه، ایجاد نفرت و بی‌زاری نسبت به آنها، رسیدن ریاست به بنی‌هاشم و سلب قدرت از بنی‌امیه و پیدایش نهضت‌های عظیم اسلامی از نتایج قیام آن حضرت است.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، عاشورا، قیام، ماربین آلمانی.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران/دانش‌آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، جامعه‌الزهرای (ع)، قم، ایران.

Email: a.abasalizadeh@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Email: t.abdollahi@cfu.ac.ir

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۹۹۶-۷۱۷۴

۳. دانشجوی دکتری تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: shukuhmand@gmail.com

۱. مقدمه

نهضت و قیام سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی در سرتاسر زندگی همه امامان شیعه علیهم السلام جایگاه والایی داشت به طوری که همه آنها به شهادت رسیدند و همین دلیل بزرگ بر مبارز بودن و قیام آنها برای احقاق حق و ابطال باطل است. تأمل در چرایی و چگونگی نهضت عاشورا با گذشت سالیان و قرن های متمادی همچنان موضوع بحث بزرگ ترین مراکز علمی و دانشگاهی مسلمان و حتی غیرمسلمانان است و اندیشمندان و اسلام شناسان بسیاری به واکاوی این برهه از تاریخ اسلام پرداخته اند. در میان مستشرقان، ماربین آلمانی با نگاهی تحلیلی، علل و نتایج این قیام را بررسی کرده است، اما پژوهش های موجود بیشتر به صورت پراکنده یا ترجمه محور به نظرات وی اشاره کرده اند. این در حالی است که تحلیل نظام مند دیدگاه های ماربین در موضوع علل و نتایج نهضت امام حسین علیه السلام می تواند خلأ موجود در این زمینه پژوهشی را پر کند. هدف تحقیق حاضر، واکاوی عمیق تر آرای ماربین در موضوع ذکر شده به روش تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر منابع دست اول است.

تاکنون درباره این موضوع پژوهش هایی توسط شرق شناسان صورت گرفته است. کارل بروکلمان در تاریخ ملل اسلامی (۱۹۳۹) به نقش سیاسی قیام عاشورا اشاره کرده، اما تحلیل او فاقد بررسی انگیزه های الهی امام حسین علیه السلام است. ویلفرد مادلونگ در جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (۱۹۹۷) به جنبه های تاریخی قیام پرداخته است، اما تمرکز او بیشتر بر روابط خاندانی است تا تحلیل ایدئولوژیک. پژوهش حاضر با محوریت ماربین به طور خاص به تبیین الهیات شیعی در نظرات او می پردازد، در حالی که پژوهش های پیشین بیشتر تاریخی هستند. در بین پژوهش های داخلی نیز مقاله «تأثیر نهضت عاشورا در اندیشه مستشرقان» از جعفریان (۱۳۹۰) به طور کلی به دیدگاه های شرق شناسان پرداخته، اما تحلیل جداگانه ای از ماربین ارائه نکرده است. کتاب امام حسین علیه السلام در آینه پژوهش های غربی اثر حکیمی (۱۳۹۵) اگرچه به چند مستشرق اشاره دارد، نقد نظام مند آرای ماربین را شامل نمی شود.

پژوهش حاضر با تمرکز انحصاری بر نظرات ماربین پیرامون علل و نتایج نهضت امام حسین (ع) خلاهای موجود در این زمینه را پر می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است که ماربین، علل و نتایج قیام عاشورا را چگونه تحلیل کرده است؟ با وجود پژوهش‌های متعدد درباره عاشورا، تحلیل عمیق آرای ماربین به صورت مستقل تا کنون انجام نشده است. تحقیق حاضر تلاش می‌کند با پر کردن این خلأ به درک جامع‌تری از نگاه مستشرقان به امام حسین (ع) دست یابد. موسیو ماربین، مورخ معروف آلمانی در موضوعات مختلف اسلامی تحقیق و بررسی کرده است. کتاب سیاست اسلامی به زبان آلمانی نوشته اوست. این پژوهشگر مسیحی، امام حسین (ع) را شخصیت سیاسی و مذهبی استثنایی در چهارده قرن اخیر دانسته و علت جاودانگی قیام او را مبارزه با ظلم و ستم و جور بنی امیه که غاصب حکومت بودند ذکر کرده است. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳)

واژه نهضت از «نهض» جمع نهضات به معنی خیزش، جنبش، برخاستن، حرکت و آمادگی برای قیام به‌ویژه قیام کردن برای رسیدن به منظوره‌های اجتماعی و سیاسی است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۴۵/۷؛ معلوف، ۱۹۰۸، ص ۱۴۵۷؛ معین، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹۹) نهضت و انقلاب‌ها از نظر چگونگی محتوایی، درجات شدید و ضعیف، شتابنده و دیرپا و از نظر دگرگونی جهش ناگهانی و تدریجی و گام‌به‌گام، دینی و غیردینی، انواع گوناگون دارند. هر ملتی براساس ایده و مسلک خود، انقلاب و نهضت می‌کند و چگونگی آن، رابطه مستقیمی با طرز فکر و شیوه آرمانی انسان‌ها دارد. نهضت و انقلاب، گاهی سطحی و روبنایی است و گاهی عمقی و حقیقی. گاهی در بعد و عرصه خاصی است مانند انقلاب اقتصادی و گاهی جنبه‌های عمومی و فراگیر دارد. در فقه اسلامی در بحث طهارت دو موضوع از مطهرات (امور پاک‌کننده) شمرده شده که عبارتند از: استحاله و انتقال. در مورد استحاله، برای مثال اگر سگی در نمک‌زار بمیرد و پس از سال‌ها مبدل به نمک شود، پاک است؛ زیرا استحاله یعنی، حالی به حال دیگر شدن و یا اگر چوب نجسی چنان بسوزد که خاکستر شود این خاکستر پاک می‌شود. در مورد انتقال، می‌توان به خون بدن انسان یا حیواناتی که خون جهنده دارند، اشاره کرد که اگر خون وارد بدن حشراتی که خون جهنده ندارند، شده و جزو بدن آنها شود، پاک می‌شود.



انقلاب حقیقی همان استحاله است؛ یعنی دگرگونی در ماهیت و حقیقت اشیاء، ولی انقلاب سطحی و روبنایی را می‌توان به همان انتقال مثال زد که از گروهی به گروه دیگر با تغییرات سطحی صورت می‌گیرد. نهضت‌ها مختلف است، اما نهضت‌های پیامبران، امامان علیهم‌السلام و ادیان آسمانی از نهضت‌های حقیقی است و موجب دگرگونی محتوایی و عمیق شده و شیوه و رژیم قبل را به‌طورکلی عوض می‌کند مانند نهضت اسلام به‌دست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به عصر جاهلیت که انقلابی ماهوی، زیربنایی و همه‌جانبه در همه عرصه‌ها بود. آنان که در راستای هدایت پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام حرکت می‌کنند باید در درون و برون به انقلاب حقیقی دست بزنند و با دگرگونی عمیق و همه‌جانبه، انقلاب کنند و به آن تداوم بخشند. (اشتهاردی، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

۲. ویژگی‌های امام حسین علیه‌السلام از نگاه ماربین

ماربین با تجزیه و تحلیل قیام عاشورا ریشه نهضت‌های عظیم اسلامی را تا امروز در شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران با وفای او دانسته است که بیعت با یزید را نه تنها نپذیرفتند، بلکه زندگی در حکومت یزید را ذلت و خواری می‌دانستند. از این رو، برای رسیدن به مقصود عالی خود، از خودگذشتگی و شهادت را انتخاب کردند. وی معتقد است امام حسین علیه‌السلام تنها کسی است که در چهارده قرن در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد. اخلاق و صفاتی که در دوران حکومت عرب پسندیده و قابل احترام بود در فرزند مولای متقیان مشاهده می‌شد. امام حسین علیه‌السلام شجاعت و دلآوری را از پدر خود به ارث برده بود، به‌دستور و احکام اسلام تسلط کامل داشت، در سخاوت و نیکوکاری نظیر نداشت، در نطق و بیان زبردست بود و همه را مجذوب بیانات خود می‌ساخت. از دیدگاه ماربین، مسلمانان جهان عقیده و ارادت زایدالوصفی به امام حسین علیه‌السلام دارند و هر ساله در ماه معینی (منظور ماه محرم است) برای او عزاداری می‌کنند. کتب بسیاری از فضائل و مناقب امام حسین علیه‌السلام توسط مسلمانان نوشته شده و درباره ملکات حسنه و سجایای پسندیده ایشان گفت‌وگو می‌شود. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۳۷۴)

۲-۱. سیاستمدار

موضوعی که نمی‌توان از نظر ماربیین نادیده گرفت، این است که امام حسین علیه السلام در عصر خود برجسته‌ترین سیاست‌مداری بود که تا به امروز هیچ فردی مانند او چنین سیاست مؤثری انتخاب نکرده است. (ماربیین، ۱۳۲۸، ص ۱۴)

۲-۲. پیرو حق و حقیقت

دیگر ویژگی امام حسین علیه السلام از منظر ماربیین، استقامت وی در راه حق و حقیقت است. این استقامت، حد خاصی ندارد و به فرموده حضرت: «ایشان هرگز با ناحق بیعت نخواهد کرد و تا کشته شدن در راه پیروی از حق و حقیقت آن را ادامه خواهد داد» (ماربیین، ۱۳۲۸، ص ۱۹).

۲-۳. از خودگذشته و فداکار

از دیدگاه ماربیین، برای اثبات این ویژگی برجسته امام حسین علیه السلام باید به تاریخ قبل از اسلام توجه کرد. از این رو، وی به تحلیل و ریشه‌یابی حوادث تاریخی می‌پردازد. وی بیان می‌کند که بنی‌امیه و بنی‌هاشم دو طایفه‌ای بودند که با هم قرابت و خویشاوندی داشتند؛ زیرا امیه و هاشم پسران عبد مناف بودند و قبل از اسلام بین این پسرعموها کدورت برقرار بود و مکرر با یکدیگر نزاع می‌کردند. در عرب، طایفه قریش و در قریش، بنی‌هاشم و بنی‌امیه، عزیز و محترم بودند؛ بنی‌امیه از نظر ثروت و ریاست و بنی‌هاشم از نظر علم و معنویت. کدورت بنی‌هاشم و بنی‌امیه در صدر اسلام بالا گرفت تا وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد. بدین ترتیب، بنی‌هاشم تفوق و برتری پیدا کردند و بنی‌امیه مجبور شد از بنی‌هاشم اطاعت کند. این پیشامد، آتش حسد را در سینه بنی‌امیه شعله‌ور کرد و درصدد انتقام از بنی‌هاشم برآمدند. آنها پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وقت را مغتنم شمرده و با کمال قوا تلاش کردند که جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با اصول ولایت‌عهدی صورت نگیرد. چون بنی‌امیه از نظر ثروت و ریاست در بین مردم نفوذ کاملی داشتند، بالاخره برای تعیین جانشین بر بنی‌هاشم غلبه پیدا کردند و عثمان به خلافت رسید. به مناسبت همین خلیفه‌تراشی، بنی‌امیه مقام بلندی حاصل کرده و جاده را برای آینده خود هموار کردند و هر روز بر موقعیت خود افزودند.

در این شرایط، بنی‌امیه از موقعیت عثمان استفاده کرد و برای آینده خود جایگاه محکم و استواری به وجود آوردند. آنها بنا بر عادت دیرین خود که دشمن بنی‌هاشم بودند، کمتر خلوص عقیده و نیت پاک به اسلام ابراز می‌داشتند و در باطن ننگ می‌دانستند که پیرو دین اسلام باشند؛ زیرا دین اسلام از فداکاری‌ها و جانبازی‌های بنی‌هاشم پابرجا مانده بود، ولی چون مسلمین نفوذ کاملی داشتند بنی‌امیه صلاح را در این دیدند که در سایه پیروی از اسلام، مقاصد خود را عملی کنند.

همین که بنی‌امیه در دستگاه حکومت و خلافت وارد شدند و پایه جاه و جلال خود را محکم کردند به طور علنی به مخالفت با اسلام برخاستند و اسلام را به باد سخره گرفتند. بنی‌هاشم که کار را بدین منوال دیدند و از خیالات بنی‌امیه واقف شدند، سکوت را جایز ندانسته و حرکت عثمان را به مردم نشان دادند و مسلمانان که این حرکات را مشاهده کردند بر عثمان شورش کردند و او را به قتل رساندند و اکثریت آراء، خلافت امام علی علیه السلام را تصویب کردند و ایشان به خلافت رسید. پس از این واقعه، بنی‌امیه یقین پیدا کردند که باز بنی‌هاشم سیادت و عظمت اولیه را به دست می‌آورند. این بود که دوباره حکومت‌های سابق بنی‌امیه که موقعیت خود را در خطر دیدند دست به اعتراض شدیدی زدند و حاکم شام (معاویه) که جرثومه شیطنیت بود به بهانه قتل عثمان و به ادعای اینکه کشته شدن عثمان با اشاره امام علی علیه السلام بوده علم مخالفت را برافراشت و اختلاف شدیدی بین مسلمانان بروز کرد و مانند عهد جاهلیت، شمشیرها بین اعراب به کار افتاد و جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست تا اینکه امام علی علیه السلام را در محراب مسجد شهید کردند.

پس از شهادت امام علی علیه السلام و مرگ معاویه، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله دوباره به دست بنی‌امیه افتاد و یزید جانشین معاویه شد. در این هنگام امام حسین علیه السلام از سویی دریافت که حرکات بنی‌امیه که قدرت مطلقه داشتند و دستورات اسلام را پایمال می‌کردند، نزدیک است پایه‌های استوار و مستحکم اسلام را در هم ریزد. از سوی دیگر، می‌دانست اگر از یزید اطاعت کند یا با او مخالفت ورزد بنی‌امیه نظر به عداوت و دشمنی دیرینه خود از محو و نابودی بنی‌هاشم دست‌بردار نیستند و اگر بیش از این مسامحه کند نام و نشانی از اسلام و مسلمانان باقی نخواهد ماند. در این زمان، وی تصمیم گرفت در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کند و برای پایدار داشتن

پرچم اسلام، پرچمی که با فداکاری و ازخودگذشتگی های جدش و با ایثار خون پاک صدها مسلمان غیرتمند برافراشته شده بود جان، مال، خانواده و دوستان خود را فدا کند و اگر چنین نمی کرد اثری از اسلام باقی نمی ماند. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۱۵؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۴)

۲-۴. دارای عظمت، اقتدار و نفوذ کلمه

از دیدگاه این اندیشمند مسیحی، حسین بن علی علیه السلام دارای عظمت، اقتدار و نفوذ کلمه بود و با وجود این ویژگی ها، شهری از شهرهای اسلام را مسخر نکرد و بر حکومتی از حکومت های یزید حمله نکرد. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۳) با این وصف ایشان را به دستور یزید در بیابان بی حاصلی محاصره کردند. امام حسین علیه السلام فقط فجایع بنی امیه و قصد آنها برای نابودی اسلام را افشا کرد و از قتل خود خبر می داد و از مظلومیت خود دل شاد بود. همین نکته، سلامت نفس امام حسین علیه السلام را می رساند و این، عالی ترین درجه تأثیر ایشان در قلوب مسلمانان علیه بنی امیه بود (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۶؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۰).

۳. دلایل قیام امام حسین علیه السلام از نگاه ماربین

در قرآن کریم، ذکر داستان زندگی انقلابی حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر نمرودیان، حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعونیان، حضرت نوح علیه السلام در برابر بت پرستان و خرافه گرایان و... بیان گر مطلوب بودن انقلاب توحیدی در برابر شرک و الحاد و نهضت مستضعفین در برابر طاغوت هاست. پیامبران با طرح مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر، پیروان خود را به نهضت و انقلاب در برابر فساد و حامیان فساد تحریک و تشویق می کردند. در آیات متعدد قرآن نیز به طور آشکار مردم به مبارزه شدید با باطل گرایان و ظالمان فراخوانده شده و به تشکیل و تثبیت حکومت های الهی دعوت شده اند: «و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت؛ ما در میان هر امت و ملتی، پیامبر و رسولی برانگیختیم (که به مردم بگویند) تنها خدا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل: ۳۶). این آیه به روشنی هدف پیامبران را بیان کرده که همان نهضت و قیام آنها برای دو موضوع بوده است: یکی طاغوت زدایی و دیگری پرستش خدا در همه امور. در دیگر آیات قرآن از جمله آیه ۲۵۶

سوره بقره، آیه ۷۵ سوره نساء و آیه ۳۶ سوره ص به مبارزه با باطل‌گرایان اشاره شده است. از این آیات استفاده بدیهی می‌شود که نهضت و انقلاب برای واژگونی رژیم‌های باطل و تثبیت و استوار کردن حکومت الهی، لازم و وظیفه حتمی خداپرستان است. همچنین روایات پیرامون فریضه عظیم امر به معروف و نهی از منکر بیان‌گر آن است که برای اجرای اسلام باید قیام و تلاش جدی و پیگیر کرد و قیام برای سرکوب و جلوگیری از دشمنانی که سد راه حق هستند و وجودشان مایه ظلم و فساد است واجب و ضروری است.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «إذا ظهرت البدع في أمتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله؛ زمانی که در اتم بدعت‌ها هویدا گشت بر عالم است که علم خویش را آشکار کند، هر که نکند لعنت خدا بر او باد». (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۰/۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۵/۱۰۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۲/۱؛ برقی، ۱۳۷۱، ۲۳۱/۱؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ۴۶۷/۲)

۴. نهضت امام حسین ﷺ و عوامل آن از دیدگاه ماریین

پیامبر ﷺ بنیان‌گذار نهضت عظیم اسلام بود که از نظر چگونگی، تلاش، سرعت و سایر ویژگی‌ها در همه جهان و همه تاریخ بی‌نظیر بود. پس از ایشان، همه امامان معصوم ﷺ در رأس نهضت بودند و برای تداوم نهضت عظیم پیامبر ﷺ در هر عصر و زمان و مکان براساس شرایط زمان، نهضت و قیام کردند. در میان این نهضت‌ها، نهضت و قیام امام حسین ﷺ و بروز عاشورای خونین در کربلا جایگاه خاصی دارد. این قیام، به‌راستی در جهان و تاریخ بی‌نظیر است و باید اسوه حق‌طلبان و پیروان اسلام ناب و آزادی‌خواهان قرار گیرد؛ زیرا امام حسین ﷺ اسوه کامل مبارزه و قیام در گذشته و آینده است، چنان‌که به روایت امام صادق ﷺ، حضرت علی ﷺ به امام حسین ﷺ فرمود: «اسوة انت قدما؛ ای حسین! تواز قدیم، اسوه و الگو بوده‌ای» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۷۱). الگو بودن نهضت امام حسین ﷺ از این‌روست که انگیزه‌ها، اهداف و آرمان‌های نهضت خونین و عظیم او در سه عامل که عصاره فلسفه نهضت او بود، خلاصه می‌شد که عبارتند از: بیعت نکردن با طاغوت و ظالم، تصمیم بر تشکیل حکومت اسلامی اگرچه در مسیر آن شهید

شود و امر به معروف و نهی از منکر در همه ابعاد، حتی در اجرای کامل. عنصر اصلی و مرکزی نهضت آن حضرت امر به معروف و نهی از منکر بود و بیعت نکردن با ظالم و مسئله حکومت اسلامی از شعبه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر است. برای ترسیم این موضوع، ده‌ها شاهد عینی و قرائن و حوادث وجود دارد که مانند تابلوهای روشن، نشان‌دهنده این سه فلسفه است. در خطبه‌ها و گفت‌وگوهای شخصی امام حسین علیه السلام نیز همین سه مسئله به طور صریح مطرح است. یزید و سردمداران بنی امیه به طور مکرر آن حضرت را به بیعت فراخواندند و او بیعت نکرد. در همان آغاز، حرف اول و آخر را زد و در جواب مروان فرمود: «وقتی که امت اسلام به حاکمی مانند یزید دچار شود باید فاتحه اسلام را خواند. من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر فرزندان ابوسفیان حرام است» (سید بن طاووس، ۱۳۵۳، ص ۱۲). در بیان دیگر فرمود: «إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدی، أريد أن آمر بالمعروف و أنهي عن المنکر؛ تنها عامل خروج و حرکت من برقرار کردن اصلاح در امت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و همان راهی را بپیمایم که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام پیمود» (سید بن طاووس، ۱۳۵۳، ص ۶۱).

نیز در گفتار آن حضرت است: «ألا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتناهى عنه؛ آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد. در این صورت، شخص و مؤمن شوق آن را دارد و سزاوار است که (با شهادتش) به لقای خدا بپیوندد. بدانید که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و نکبت نمی‌دانم». (حرانی، ۱۳۶۳، ۲۴۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۱۶/۷۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۶۸/۴؛ حلی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۴۴) امام حسین علیه السلام هنگامی که رهسپار کربلا بود، فرمود: «به راستی، دنیا تغییر چهره داده و ناشناخته گشته و نیکی آن در حال نابودی است و از آن جز رطوبتی که در ته ظرفی مانده و جز زندگی و بال‌آور، همچون چراگاهی که جز گیاه بیماری‌زا و بی‌مصرف چیزی در آن نمی‌روید، باقی نمانده است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل دست برنمی‌دارند، به طوری که مؤمن حق دارد که به مرگ و دیدار خدا مشتاق باشد. به راستی من چنین مرگی را جز سعادت ندانم و زندگی در کنار ظالمان را جز هلاکت نخوانم. همانا مردم

دنیاپرستند و دین از سر زبان آنها فراتر نرود و دین را تا آنجا که زندگی شان را روبه راه سازد، بچرخانند و چون در بوته آزمایش گرفتار شوند دین داران اندک گردند» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۲۷).

مجموعه این گفتار، رفتار و خطبه های آن حضرت و یارانش وجوب قیام، عوامل و آرمان های آن را تبیین می کند و بیان گر لزوم نهضت و انقلاب در عرصه های مختلف با طاغوتیان و مستکبران است و پس از طاغوت زدایی، تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای معروف و جلوگیری از منکر و گسترش عدل و داد است. ماربین، شرق شناس آلمانی نیز قیام امام حسین علیه السلام را فقط جنگی میان دو قبیله بنی هاشم و بنی امیه نمی داند با اینکه برخی شرق شناسان در این باره حکم و قضاوتی سطحی کرده اند وی معتقد است امام علیه السلام از آغاز، تدبیر داشت و زمان ثمربخشی قیام را می دانست. (ابوعلم و امینی، ۱۳۸۱)

۴-۱. مبارزه با ظلم و جور

ماربین معتقد است که امام حسین علیه السلام از شهید شدن خود خبر می داد و از آن ساعتی که از مدینه حرکت کرد بدون پروا و وحشتی با صدای رسا می گفت: «من برای کشته شدن می روم» و به همراهان خود برای اتمام حجت چنین می گفت: «هر کس به طمع جاه و جلال همراه من است ترک همراهی کند؛ زیرا من برای مبارزه با ظلم و جور حرکت می کنم و کشته شدن من در راه حق و حقانیت مسلم است». (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۴) اگر منظور امام حسین علیه السلام از این موضوع، مبارزه با ظلم و جور نبود به کشته شدن تن نمی داد و در جمع کردن لشکر تلاش می کرد نه اینکه جماعتی را که همراه داشت، متفرق کند (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۴؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷). این بیان ماربین در این زمینه نیز قابل تأمل است: «وقتی که در تمام جنگ ها، فرماندهان به دنبال جمع کردن سپاه و یار هستند امام حسین علیه السلام با تمام بی باکی از یاران خود می خواهد که برگردند؛ زیرا می داند کشته شدن در این مسیر، حتمی است و تنها انگیزه دفاع در راه حق می تواند یارانش را نگه دارد» (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۳).

۴-۲. اجرای اوامر الهی

از نظر ماربین اجرای اوامر الهی، دلیل دیگری برای قیام امام حسین علیه السلام است. اثرات رفتار ظالمانه بنی‌امیه نسبت به اهل بیت علیهم السلام امام حسین علیه السلام از کشته شدن آن امام علیه السلام کمتر نبود. همین امر، عداوت بنی‌امیه با خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آشکار و زمینه را برای قیام امام به انگیزه اجرای اوامر الهی فراهم می‌کرد. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۰)

۵. نتایج قیام امام حسین علیه السلام از نگاه ماربین

۵-۱. آموختن درس فداکاری و ایثار

ماربین معتقد است که امام حسین علیه السلام با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت کرد. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۵؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷)

۵-۲. بلندآوازه کردن نام اسلام و اسلامیان در عالم

ماربین، بلندآوازه کردن نام اسلام را یکی از نتایج قیام امام حسین علیه السلام می‌داند. وی معتقد است که اگر چنین حادثه جان‌گذاری پیش نیامده بود اسلام به حالت کنونی خود باقی نمی‌ماند و ممکن بود یک‌باره اسلام و اسلامیان محو و نابود شوند. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۰؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷)

۵-۳. ایجاد انزجار و نفرت نسبت به بنی‌امیه

ماربین، مستشرق معروف آلمانی معتقد است: «اینکه امام حسین علیه السلام حتی در آخرین دقایق زندگی، طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقانیت کرد و با این عمل، اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت که چگونه در دم آخر با همه مصائب جان‌کاه و افکار متراکم و عطش و کثرت جراحات باز هم از مقصد عالی خود دست برنداشت. اینکه وی می‌دانست بنی‌امیه ستمگر بر فرزند صغیرش رحم نخواهد کرد برای بزرگ کردن مصائب خود، او را بر سر دست گرفت و به‌ظاهر تمنای آب برای طفلش کرد، ولی با تیر، جواب شنید. گویا امام حسین علیه السلام از این حرکت قصدش

این بود که جهانیان بدانند عداوت بنی‌امیه با بنی‌هاشم تا چه حد است و مردم گمان نبرند که یزید برای دفاع از خود ناچار به این اقدامات سبعانه دست زده است؛ زیرا کشتن طفل شیرخوار در چنین حال و با آن وضع دهشتناک جز عداوت وحشیانه‌ای که منافی با قواعد هر دین و مذهبی است چیز دیگری نبود. همین نکته می‌تواند پرده از روی قبیاح اعمال و نیات فاسد و عقاید بنی‌امیه بردارد و بر جهانیان، خاصه مسلمانان ظاهر شود که بنی‌امیه نه تنها برخلاف احکام اسلام حرکتی می‌کردند، بلکه از روی عصبیت جاهلانه می‌خواستند از بنی‌هاشم خاصه بازماندگان حضرت محمد ﷺ، حتی یک طفل شیرخوار باقی نماند». (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۳؛ هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۹)

۴-۵. آشکار شدن رفتار و سلوک ظالمانه و بی‌رحمانه بنی‌امیه

از دیگر نتایج قیام امام حسین ﷺ از نظر این وقایع‌نگار مسیحی، آشکار شدن رفتار و حرکت ظالمانه بنی‌امیه بود. به عقیده ماربین، امام حسین ﷺ می‌دانست که بعد از کشته شدن، زنان و اطفال بنی‌هاشم اسیر خواهند شد و این واقعه در مسلمانان خاصه در عرب بیش از آنچه به‌تصور آید، مؤثر است. حرکات و رفتار ظالمانه بنی‌امیه و سلوک بی‌رحمانه آنها نسبت به اهل بیت امام حسین ﷺ به اندازه‌ای در قلوب مسلمانان مؤثر افتاد که اثرش از کشته شدن امام حسین ﷺ و همراهانش کمتر نبود و عداوت بنی‌امیه را با خاندان حضرت محمد ﷺ و عقاید آنها را با اسلام و رفتارشان را با مسلمانان آشکار کرد. این بود که امام حسین ﷺ به دوستان خود که او را از این سفر منع می‌کردند، می‌گفت: «من برای کشته شدن می‌روم» (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۳؛ هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷۸).

۵-۵. پیدایش نهضت‌های عظیم اسلامی

به گواهی تاریخ دنیا، این‌گونه مصائب سخت، مخصوص امام حسین ﷺ است. از این‌روست که با شهادت امام حسین ﷺ، به اسارت بردن اهل بیت ایشان و وقوع آن حوادث دردانگیز واقع شد، فجایع اعمال بنی‌امیه ظاهر گردید و جنبش و نهضت عظیمی علیه زید و آل‌امیه در مسلمانان

پیدا شد، مسلمانان بنی‌امیه را مخرب اسلام دانستند و آنها را ظالم و غاصب نامیدند و برعکس، بنی‌هاشم را مظلوم و شایسته خلافت دانسته و حقیقت اسلام را در آنها شناختند. از این به بعد، روحانیت، اسلام را رونقی تازه دادند. مسلمانانی که جنبه روحانیت اسلام را به یک باره فراموش کرده بودند با جنبشی روشن به دنبال حق و حقیقت رفتند و نهضت‌های عظیم اسلامی شروع شد و به دنبال آن تا به امروز امتداد یافت و روزه‌روز، واقعه بزرگ کربلا اهمیت و درخشندگی بیشتری یافت.

(ماربین، ۱۳۲۸، ص ۲۸؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱)

ماربین درباره امام حسین (علیه السلام) چنین ادعا می‌کند که تاریخ بشریت تا به امروز مانند چنین شخص مآل‌اندیش و فداکاری به خود ندیده و نخواهد دید. هنوز اسرای امام حسین (علیه السلام) نزد یزید نرسیده بودند که علم خون‌خواهی امام حسین (علیه السلام) برافراشته و نهضت عظیم علیه یزید آغاز شد. مظلومیت امام حسین (علیه السلام) بر همه ثابت شد، پرده از روی جنایات و نیات بنی‌امیه برداشته شد و کار به جایی رسید که خاندان و حرمسرایان یزید زبان شماتت بر او دراز کردند با اینکه ممکن نبود نام امام حسین (علیه السلام) و خاندان حضرت علی (علیه السلام) در اطراف و جوانب یزید به نیکویی برده شود.

(ماربین، ۱۳۲۸، ص ۳۱؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱)

۵-۶. رسیدن ریاست به بنی‌هاشم و سلب قدرت از بنی‌امیه

ماربین، مهمترین اثر نهضت امام حسین (علیه السلام) را انتقال ریاست به دست بنی‌هاشم و به‌ویژه بازماندگان امام حسین (علیه السلام) می‌داند؛ زیرا طولی نکشید که حکومت ظلم و جور معاویه و جانشینان او منهدم شد و در کمتر از یک قرن، قدرت از بنی‌امیه سلب شد. منهدم شدن قدرت از بنی‌امیه به‌گونه‌ای صورت گرفت که امروز نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر در متن کتب تاریخی، نامی از این قوم ذکر شده به دنبال آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده و این نیست مگر به واسطه قیام امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفای ایشان. (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۳۰؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱)

۵-۷. آشکار شدن مظلومیت امام حسین (علیه السلام) و یارانش

ماربین معتقد است که پس از واقعه کربلا همه جا صحبت از مظلومیت امام حسین (علیه السلام) و یاران او بود و خاندان امام علی (علیه السلام) را به تقدیس و عظمت یاد می کردند. با اینکه یزید یارای شنیدن چنین کلماتی را نداشت جز سکوت چاره‌ای ندید و برای تبرئه کردن خود، قصور و گناه را به امرای خود نسبت داد و گفت: «خدا لعنت کند پسر مرجانه را؛ زیرا من به او دستور دادم اگر می تواند از امام حسین (علیه السلام) بیعت بگیرد نه اینکه او را شهید کند». بالاخره پیروان امام حسین (علیه السلام) با نهضت های پی در پی بر عظمت و قوت بنی هاشم افزودند و طولی نکشید که حکومت بنی امیه منقرض شد (ماربین، ۱۳۲۸، ص ۳۱؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱).

۸. نتیجه گیری

یکی از انقلاب های مهم از ابتدای خلقت عالم تاکنون، قیام عاشورا است. در این انقلاب، امام حسین (علیه السلام) و یارانش در برابر ظلم و جور قیام کردند و در راه اعتلای امر الهی به شهادت رسیدند. علل و نتایج نهضت حسینی در طول تاریخ همواره مورد توجه تمام اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بوده است. در این میان از جمله شرق شناسان، مسیو ماربین آلمانی فیلسوف و مورخ مسیحی است که در موضوعات مختلف اسلامی از جمله قیام امام حسین (علیه السلام) تحقیق و بررسی کرده است. این پژوهشگر، امام حسین (علیه السلام) را سیاستمدار، پیرو حق و حقیقت، فداکار و از خود گذشته، دارای عظمت، اقتدار و نفوذ کلمه می داند. همین ویژگی های برجسته، ایشان را به تنها فردی که در چهارده قرن در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد، تبدیل می کند. این شرق شناس آلمانی قیام امام حسین (علیه السلام) را فقط جنگی میان دو قبیله بنی هاشم و بنی امیه نمی داند. وی معتقد است که امام (علیه السلام) از آغاز تدبیر داشت و زمان ثمربخشی قیام را می دانست. از این رو، مبارزه با ظلم و اجرای اوامر الهی از عوامل قیام امام حسین (علیه السلام) از منظر این مورخ است. از دیدگاه وی، رسیدن ریاست به بنی هاشم و سلب قدرت از بنی امیه، مهمترین نتیجه قیام امام حسین (علیه السلام) است. آموختن درس فداکاری و ایثار، بلند آوازه کردن نام اسلام و اسلامیان در

عالم، ایجاد انزجار و نفرت نسبت به بنی امیه، آشکار کردن رفتار و سلوک ظالمانه و بی رحمانه آنها و آشکار شدن مظلومیت امام حسین علیه السلام و یارانش از دیگر نتایج قیام حسینی از دیدگاه ماربین است. از نگاه این مورخ، حرکات و رفتار ظالمانه بنی امیه و سلوک بی رحمانه آنها نسبت به اهل بیت امام حسین علیه السلام به اندازه ای در قلوب مسلمانان مؤثر افتاد که اثرش از کشته شدن امام حسین علیه السلام و همراهانش کمتر نبود و عداوت بنی امیه را با خاندان پیامبر ﷺ آشکار کرد. پیدایش نهضت های عظیم اسلامی از دیگر نتایج قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه این اندیشمندان است. از این رو، مسلمانانی که جنبه روحانیت اسلام را به یک باره فراموش کرده بودند با این جنبش به دنبال حق و حقیقت رفتند و نهضت های عظیم اسلامی شروع شده و تا به امروز امتداد یافت و روز به روز، واقعه بزرگ کربلا اهمیت و درخشندگی بیشتری یافت.

۹. پیشنهادات

اگرچه عمده دیدگاه های مسیو ماربین آلمانی درباره علل و نتایج قیام امام حسین علیه السلام به اعتقادات شیعه نزدیک است، ولی دربردارنده تمام حقیقت نیست. این گونه آثار شرق شناسان را باید با دقت و احتیاط مطالعه کرد و پس از استخراج چارچوب نظری آنها در مورد اسلام و تشیع، ادعاهای آنها را تحلیل و بررسی کرد. بررسی این موضوع، نیاز به نگارش مقاله دیگری دارد. پیشنهاد می شود علاقه مندان با بررسی آثار شرق شناسان این موضوع و دیدگاه های این فیلسوف و پژوهشگر مسیحی را بررسی کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۷). مترجم: انصاریان، حسین. قم: انتشارات: دانش.
۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. مترجم: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیه السلام. قم: علامه.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی (۱۳۵۳). اللهوف. تهران: جهان.



۶. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی (۱۳۷۷). غم نامه کربلا. تهران: مطهر.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف: دارالمرتضویه.
۸. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ ه.ق). لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ ه.ق). مثیر الاحزان. قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۱۰. ابوعلم، توفیق، و امینی، عبدالله (۱۳۸۱). ارزیابی حرکت امام حسین علیه السلام. نشریه حکومت اسلامی، (۲۵)، ۵۰۴-۵۲۱.
۱۱. اشتهازدی، محمد مهدی (۱۳۸۴). نهضت و انقلاب در سیره پیشوایان. نشریه پاسدار اسلام، (۲۸۱)، ۱۶-۱۹.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). الحیة. مترجم: آرام، احمد. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. ماریبن، جوزف فرانسوی (۱۳۲۸). سیاسه الحسینیة. مترجم: شیرازی تهرانی، محمد علی، و همکاران. تهران: دارالخلافه.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۸. معلوف، لوئیس (۱۹۰۸). المنجد فی اللغة. بیروت: دارالمشرق.
۱۹. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: کتاب راه نو.
۲۰. هاشمی نژاد، عبدالکریم (۱۳۸۶). درسی که حسین به انسان ها آموخت. تهران: شاهد.